



# میلی پنهانی به رهایی

بررسی زندگانی و آثار هلن بئاتریکس پاتر<sup>۱</sup>

(از پیشروان کتاب‌های تصویری)

پژوهشگاه علوم انسانی سحر اتر هند فرنگی

هلن بئاتریکس پاتر، در ۲۸ جولای سال ۱۸۶۶ میلادی، در بلتون گاردن لندن به دنیا آمد. به دلیل به دنیا آمدن در خانواده‌ای نسبتاً ثروتمند، از دو تولد سرپرستی و مراقبت از او به پرستاران محول شد و این پرستار دوران کودکی بئاتریکس است که او را برای اولین بار با داستان‌های جادوگران و پریان آشنا می‌کند. موضوعی که او بعدها از آن به عنوان منبع الهام و مشوقی مؤثر در نویسنده‌گی نام می‌برد. بئاتریکس در خانه و تحت نظرارت معلمان آزموده و متبحر تحصیل کرد و به مدرسه فرستاده نشد. به همین دلیل، فرصت همباری شدن با کودکان دیگر را نداشت. او کودکان همسایه را نمی‌شناخت و در واقع فرصتی هم برای ایجاد این شناخت برای او وجود نیامد. حتی تنها برادر او برترا م نیز به مدرسه‌ای شبانه‌روزی فرستاده شد. بنابراین بئاتریکس خود را با حیوانات خانگی‌اش سرگرم می‌کرد. او انواع حیوانات را در خانه داشت. علاوه بر یک سگ کوچک به نام اسپات، او چندین قورباغه، سمندر آبی، موش خرما و حتی یک خفاش داشت. او همچنین، دو خرگوش کوچک با نام‌های بنجامین و پیتر داشت. بئاتریکس در کودکی و خیلی زود به کتاب و خواندن علاقه یافت و در این زمان بود که یکی از معلمان سرخانه‌اش او را با تاریخ طبیعی آشنا کرد. معلم عموماً کتاب‌هایی را با موضوع تاریخ طبیعی به بئاتریکس می‌داد و او را همراه برادرش به موزه تاریخ طبیعی در لندن می‌برد. این‌ها جرقه‌هایی بود برای رشد علاقه بئاتریکس به طبیعت و علوم طبیعی. بئاتریکس کوچک، ساعت‌ها مشغول تماشی حیوانات و طراحی از آن‌ها می‌شد. او زمانی که بسیار کوچک بود، دریافت که می‌تواند طراحی کند. از آن زمان به بعد، از مداد و جعبه رنگ‌هاییش برای پُر کردن تنها‌یابی خود استفاده کرد. زمانی که هشت ساله بود، پدر و مادرش دریافتند که او استعدادی شکرف در طراحی دارد. به همین دلیل به

تشویق و ترغیب او پرداختند. زمانی که بئاتریکس دوازده سال داشت، اولین معلم طراحی را برای او استخدام کردند و این تعلیم پنج سال به درازا کشید. امری که بئاتریکس جوان چندان از آن خشنود نبود. او در جایی عنوان کرده است: «من به درس طراحی نیاز ندارم. من به تمرين طراحی نیاز دارم». در زمانی که دوران خدمت معلم طراحی به پایان رسید، بئاتریکس چنین حسی داشته است: «خدا را شکر که تعليم من به پایان رسید و در این میان بکارت و منحصر به فردی آثارم از میان نرفت».

بئاتریکس در پانزده سالگی، در کلاس طراحی و هنر وابسته به شورای عالی آموزش شرکت کرد و به دلیل تلاش بسیار و کارهای شایان توجه، موفق به اخذ مدرک عالی در طراحی، هندسه، کاردستی، پرسپکتیو و طراحی از روی مدل شد. یکی از معلمان پاتر در این کلاس‌های طراحی، به بئاتریکس گفته است: «تعداد زیادی از مردم هستند که می‌توانند طراحی کنند، اما تو قدرت فوق العاده‌ای در دیدن و جذب داری». در واقع او یک مشاهده‌کننده و ناظر مادرزاد بود. البته خانواده پاتر، خود با دنیای هنر بیگانه نبودند. پدر خانواده طراح و نقاشی آماتور بود و دستی نیز در جمع‌آوری آثار هنری داشت و همواره به همراه فرزندانش در نمایشگاه‌های نقاشی آکادمی سلطنتی<sup>۱</sup> لندن حضور می‌یافت. پدربرزگ او ادموند پاتر، سرپرست مدرسه هنر منچستر بود. این گرایش به هنر، به بئاتریکس و برادرش (که خود در بزرگسالی رشته هنر و نقاشی را در دنبال کرد) نیز به ارت رسیده بود.

هر تابستان پدر بئاتریکس خانه‌ای در اسکاتلند و یا دریاچه دیستربیکت<sup>۲</sup> در انگلستان اجراه می‌کرد و کل تابستان را همراه خانواده در آن جا سپری می‌کرد. به احتمال قوی علاقه شدید بئاتریکس به طبیعت، گل‌ها گیاهان و ویژه منطقه زیبای دریاچه دیستربیکت که در شمال انگلستان واقع است، از همین زمان شکل گرفته. زمانی که بئاتریکس بزرگ‌تر شد، پدر و مادرش بنا به رسیم زمانه، مایل بودند دخترشان تنها به امور خانه‌داری و یادگیری آداب معاشرت برای همسریابی پیردادز و از هر نوع کار ذهنی یا حرفة‌ای دیگر پرهیز کند. اما بئاتریکس که علاقه زیادی به گیاهان و طراحی داشت، شروع به مطالعه و طراحی از روی قارچ‌ها و جلک‌ها کرد. این پژوهش که با زیبایی و دقت تمام صورت گرفته بود، باعث شد تا او به عنوان یک محقق قارچ‌شناس در انگلستان مورد احترام قرار گیرد. در آن زمان تنها راه نشان دادن و ثبت دستاوردهای علمی، نقاشی کردن میکروسوکپی مشاهدات بود. هدف اصلی پاتر این بود تا یک هنرمند رسمی علوم طبیعی (نقاش و طراح طبیعت گرا) شود، اما با وجود تمامی تلاشش و قابل قبول بودن سطح کارهایش، آکادمی سلطنتی هنر و علوم لندن، عضویت او را به دلیل زن بودن نپذیرفت. در آن زمان زنان نمی‌توانستند به عنوان اعضای دائم به آکادمی بیرونند. پس از آن که تلاش‌های پاتر برای ورود به آکادمی هنر ناکام ماند، او خود شروع به طراحی و مطالعه روی گونه‌های گیاهی و قارچ‌ها کرد و آثاری بسیار دقیق و علمی پدید آورد. هرچند این تلاش‌ها نیز کاملاً نادیده گرفته شد، این بود که سرانجام به تصویرگری روی آورد.

در این جا جا دارد برای روش‌تر شدن رابطه زنان و ادبیات کودک در دوران زندگی بئاتریکس پاتر، گریزی هر چند کوتاه به تاریخ تصویرگری کتاب کودک بزنیم. آن‌گونه که از متون تاریخی برمی‌آید، طراحی و نقاشی بهترین سرگرمی زنان جوان در اوخر قرن هجدهم به شمار می‌رفته است؛ چنان‌چه نویسنده‌ای در اوخر قرن ۱۸ میلادی می‌نویسد: «این سرگرمی باعث قربانی شدن نجابت دختران یا از میان رفتن قیود و ملاحظات مرسوم زنانه نمی‌شود. باعث نمی‌شود تا زنان و دختران مقابله چشم همه قرار گیرند و یا افراد برگرد آن‌ها جمع شوند و تشویق شان کنند. این کار به آنان وقت کافی برای رسیدن به امور خانه و گرم نگاه داشتن کانون خانواده می‌دهد و باعث می‌شود تا افراد در فضای امن خانه، به انجام آن مشغول باشند». در اوایل قرن نوزدهم، زنان زیادی به حرفة تصویرگری روی آورده‌اند، چرا که مردان اشتغال زنان به این حرفة را خطیری برای خود احساس نمی‌کردند. زنان نیز می‌توانستند این کار را در خانه انجام دهند و حضور اجتماعی چنانی نیز نداشته باشند. زنان در آن دوران، بیش تر به تصویرگری مضماینی چون کودکی، مادر بودن، داستان‌های رمانیک یا فانتزی تمايل داشتند.

در قرن نوزدهم، شاهد نهادینه شدن ایده کودکی، به عنوان مقطعی سنی هستیم که در آن لذتی خاص، متفاوت از لذت بزرگسالانه، وجود دارد. در نیمه پایانی این قرن است که بسیاری از آثار کلاسیک ادبیات کودک به وجود آمده اند. آثاری چون ماجراهای آیس در سرزمین عجایب، اثر لوئیس کارول (۱۸۶۵)، زنان کوچک، اثر لوسیا می‌الکوت (۱۸۶۸)، جزیره گنج، اثر رابرت استیونسن (۱۸۸۳) و ماجراهای هاکلبری فین، اثر مارک تواین (۱۸۸۴). در اوخر قرن هجدهم تصاویری از توماس بویک<sup>۳</sup> و ویلیام بیلیک<sup>۴</sup> در کتاب‌های کودکان ظاهر شد. تا اواسط قرن نوزدهم، بیش تر کتاب‌ها به صورت سیاه و سفید و غالباً با شیوه چاپ چوب انتشار می‌یافت و تنها تعداد کمی از کتاب‌های نفیس و گران قیمت، با دست، رنگ‌آمیزی



تصاویری از کتاب

(ماجرای پسر خرگوشی):

دانستان خرگوش کوچولو

نویسنده و تصویرگر: بئاتریس پاتر،

متجم طاهره آدینه‌پور،

انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳

در داستان‌های پاتر،  
واقعیت و تخیل  
به صورتی هم عرض  
و همارزش  
وجود دارند.  
کنار هم  
قرار گرفتن  
دید علمی و  
دقیق او  
که به سبب  
سال‌ها مطالعه  
روی گیاهان و  
حیوانات  
شکل گرفته،  
در کنار  
طنزی ظریف و  
تخیلی که

به صورتی  
کاملاً باورپذیر  
به نمایش  
گذاشته می‌شود،  
باشد جذابیت و  
ماندگاری آثار  
او شده  
است



شخصیت‌ها و عناصر از کتاب‌های بئاتریس پاتر

می‌شد. پس از نیمه قرن نوزدهم، چاپ رنگی کم کم در کتاب‌های کودکان رایج شد. در این زمان بود که پیشرفت تکنولوژی و هنرهای بصری، باعث گردید تا تصویرگری در کتاب‌های کودک، به یک گونه هنری تبدیل شود. افرادی چون ریچارد دویل<sup>۱</sup> و ویلیام موریس، در آن دوران کارهای تصویری زیبا و بدیعی، خلق کردند. تصاویر در کتاب‌های کودکان، به طور سنتی توضیح‌دهنده متن بوده‌اند، اما در قرن نوزدهم سه هنرمند بسیار برجسته، به نام‌های والتر کرین<sup>۲</sup>، کیت گرین وی<sup>۳</sup> و رندولف کلدکوت<sup>۴</sup> رویکرد جدیدی به کتاب کودک عرضه کردند. در داستان‌های آن‌ها، تصاویر و متن دارای ارزش و کارکردی یکسان بودند، تعداد تصاویر نسبت به متن کتاب‌ها بیش‌تر شده بود و تعداد زیادی تصویر رنگی وجود داشت. در این میان، کتاب ماجراهای بیتر خرگوش<sup>۵</sup> اثر بئاتریکس پاتر را می‌توان اولین کتابی دانست که به شکل کتاب‌های تصویری کنونی خلق شده است.

در سال ۱۸۹۰، پاتر خلاف رسم معمول دوران، حس کرد که وابسته ماندن به خانواده از نظر مالی، مشکلات بسیاری برایش پدید آورده است. بنابراین، زمانی که برادرش به او پیشنهاد کرد تا چند نمونه از طراحی‌هایش را که غالباً از خرگوش‌ها بودند، برای چاپ روی کارت‌های تبریک، برای ناشران مختلف بفرستد، او پذیرفت و نامیدانه این کار را انجام داد، اما خلاف تصور او، چاپخانه‌ها کارهایش را قبول کردند و طراحی‌ها برای کارت‌های تبریک و یا بعضًا بر روی جلد کتاب‌ها به چاپ رسید.

بئاتریکس پاتر، در حالی که در ۲۷ سالگی هنوز در خانه پدر خود زندگی می‌کرد، شروع به نوشتمن مجموعه نامه‌هایی به کودک معلم سابق خود کرد؛ نامه‌هایی که او خود آن‌ها را «نامه‌های تصویری» خوانده است. این کودک، نوبل مورس نام داشت و به علت سپری کردن دوران نقاوت پس از بیماری سرخک، باید مدتی را در رختخواب باقی می‌ماند. نامه‌های بئاتریکس مملو از تصاویر کوچکی از خرگوش‌ها، سنجاب‌ها و موجودات ریز و کوچک دیگری بود که او طراحی کرده بود. دقیقاً با همین شیوه نامه‌نگاری است که بئاتریکس پاتر، برای اولین بار ماجراهای بیتر خرگوش (بیتر ریبت)، بچه خرگوشی به نام بنجامین و هم چنین ماجراهای خانم تیگی وینکل را آفریده است. این نامه‌ها چنان باعث شادی و لذت کودک شدند که بئاتریکس تصمیم به چاپ آن‌ها در قالب کتاب مخصوص کودکان گرفت. او کتاب ماجراهای بیتر خرگوش را در سال ۱۹۰۱ آماده کرد، اما در آن زمان هیچ ناشری حاضر به چاپ آن نشد. بنابراین، پاتر خود ۲۵۰ نسخه از کتاب را به صورت کمی و با تصاویری سیاه و سفید به چاپ رساند. هر چند که او بیش‌تر کتاب‌ها را به عنوان هدیه به دیگران داد و درآمدی از این راه کسب نکرد، این امر باعث شد تا او در ۳۵ سالگی، حرفة اصلی خود را بیابد و به صورت حرفة‌ای مشغول نویسنده‌گی و تصویرگری کتاب کودک شود. سرانجام در اکتبر ۱۹۰۲، انتشارات فردریک وارن<sup>۶</sup> حاضر به چاپ کتاب (ماجرای بیتر خرگوش) در ۸۰۰۰ نسخه و در قطع کوچک شد. کتاب به همراه تصاویر زیبا و رنگی پاتر به چاپ رسید و مورد اقبال گسترده عمومی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که تا پایان همان سال ۲۸۰۰ نسخه از کتاب به چاپ و فروش رسید. بئاتریکس پاتر به عمد اصرار داشت تا کتاب‌هایش در قطع کوچک چاپ شوند،

لباس‌ها،  
حیوانات موجود  
در آثار پاتر را  
نیمه انسان  
می‌نمایانند و  
باعث می‌شوند  
تا جزئیات،  
خصوصیات  
شخصی و  
جاگاه اجتماعی  
هر کدام از  
کاراکترها  
بهتر به نمایش  
گذاشته شود



چرا که حتی کودکان کم‌سال نیز می‌توانند کتابی با این قطع را به راحتی در دست گیرند. او هم چنین اصرار داشت تا تمامی صفحات کتاب دارای تصویر باشند و متن هر صفحه بسیار کوتاه باشد. چرا که معتقد بود در این صورت، کودکان کم‌سال تر نیز از کتاب لذت خواهند برد و امکان درک مطالب و داستان‌ها برای شان میسر خواهد بود.

پاتر کتاب بعدی خود، با عنوان *ماجرای نوتکین سنجاب* را در سال ۱۹۰۳، با همان شیوه قبلی به چاپ رساند. به دلیل فروش خوب کتاب‌ها، بیاتریکس از نظر مالی از خانواده‌اش بی‌نیاز شد. او در سال ۱۹۰۵ نامزد ناشر خود، نورمن وارن شد؛ مسئله‌ای که باعث اختلاف شدید او با خانواده‌اش گردید. البته این نامزدی به ازدواج ختم نشد؛ چرا که نورمن به دلیل ابتلا به بیماری سخت، مدتی کوتاه پس از نامزدی درگذشت. پس از مرگ نامزدش، بیاتریکس پاتر خانه‌ای ویلایی در روستایی در نزدیکی دریاچه مورد علاقه‌اش (دریاچه دیستریکت) خرید و مزرعه‌ای کوچک برای خود به راه انداخت که حضور آن را در بسیاری از کتاب‌های تصویری او می‌توان دید. پاتر به دلیل این که می‌دید این منطقه طبیعی زیبا به وسیله خانه‌سازان در معرض خطر نایودی قرار دارد، سعی کرد با عایدی خود که از طریق فروش کتاب‌هایش به دست می‌آورد و هم چنین به کمک ارثیه خانوادگی‌اش، تا می‌تواند زمین‌ها و مزارع اطراف دریاچه را بخرد. این کار او تا حد زیادی جلوی ساخت و ساز در منطقه را گرفت و باعث محبوبیت بیاتریکس در میان روستاییان شد. بیاتریکس پاتر در سال ۱۹۱۳، در ۴۷ سالگی، با وکیل محلی به نام ویلیام هیلیس<sup>۱۲</sup> ازدواج کرد.

بیاتریکس پاتر در مجموع ۲۳ کتاب برای کودکان نوشته و با تصاویر آبرنگی و قطع کوچک به چاپ رسانده است. او نوشتمن را در سال ۱۹۲۰، به دلیل ضعف بینایی کنار گذاشت و در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۳ در کسل کوتیج<sup>۱۳</sup> از دنیا رفت. جسدش را سوزانندن و خاکسپریش را در مناطق زیبایی که عاشقانه دوست‌شان می‌داشت، پخش کردند. از آن‌جا که پاتر و هیلیس فرزندی نداشتند، پس از مرگ، تمامی اموال خود را به سازمان ملی حراست از مراکز تاریخی/طبیعی بخشیدند. اموال آنان اکنون بخش بزرگی از حیات وحش دریاچه دیستریکت را تشکیل داده و جلوی تغییر بافت طبیعی این منطقه را گرفته است.

بیاتریکس پاتر در جایی عنوان کرد که موقوفیت‌های خود را مدیون سه چیز است: اول داشتن پدر و مادری بسیار سخت‌گیر و واقع‌گرا، دوم این واقعیت که او تقریباً بخش بزرگی از دوران کودکی خود را در طبیعت زیبای اسکاتلند و شمال انگلستان، به همراه پرستاری طی کرده است که عاشقانه‌ای جادوگران و پریان بوده و سوم آن که حافظه بسیار دقیق و خوبی داشته است.

در داستان‌های پاتر، واقعیت و تخیل به صورتی هم عرض و هم ارزش وجود دارند. کنار هم قرار گرفتن دید علمی و دقیق او که به سبب سال‌ها مطالعه روی گیاهان و حیوانات شکل گرفته، در کنار طنزی ظریف و تخیلی که به صورتی کاملاً باورپذیر به نمایش گذاشته می‌شود، باعث جذابیت و ماندگاری آثار او شده است. حیوانات در کتاب‌های پاتر، دارای رفتار و منشی کاملاً حیوانی و طبیعی‌اند. آن‌ها با قانون طبیعت زندگی می‌کنند، طبیعتی که غالباً به دخالت‌های انسانی





حیوانات  
فقط همان  
خوک و گربه و  
خرگوش  
نیستند،  
بلکه خود نماد و  
نشانه‌ای از  
فرهنگ حاکم بر  
انگلستان و  
زندگی دوران  
ویکتوریایی  
یا ادواردی  
هستند.  
شاید همین امر  
باعث محبوبیت  
کتاب‌ها از  
زمان نشرشان  
تا کنون  
که حدود صد سال  
از آن می‌گذرد)  
شده است

تسلیم می‌شود. حیوانات رفتار طبیعی و واقعی دارند و خود طبیعت نیز واقعی است، اما حیوانات فقط همان خوک و گربه و خرگوش نیستند، بلکه خود نماد و نشانه‌ای از فرهنگ حاکم بر انگلستان و زندگی دوران ویکتوریایی یا ادواردی هستند. شاید همین امر باعث محبوبیت کتاب‌ها از زمان نشرشان تا کنون (که حدود صد سال از آن می‌گذرد) شده است. تقریباً تمامی شخصیت‌های موجود در آثار پاتر، ملهم از حیوانات خانگی است، حیواناتی که او در دوران کودکی و نوجوانی داشته است. اولین خرگوش او بنجامین نام داشت، خرگوشی که او به صورت پنهانی از یک معازه پرندۀ فروشی خرید و در میان بسته‌های کاغذ به خانه برد. او شخصیت اصلی کتاب پچه خرگوش بنجامین را شکل داده است.

ماجراهای بسیاری از آثار پاتر، به نوعی با لباس ارتیاط دارد (در لندن دوره ویکتوریایی، لباس در بسیاری موارد، نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی و مناسبات گروهی است); مثلاً داستان خیاط مستقیماً به لباس و دوختن لباس مربوط می‌شود. در اثری دیگر، بچه گربه‌ای به نام تام، بنا به درخواست مادرش مجبور می‌شود تا لباسی بسیار رسمی و ناراحت برای یک میهمانی شام بپوشد، اما ناگهان اتفاق ناراحت‌کننده‌ای می‌افتد و دکمه لباس تام پاره می‌شود. در داستان ماجراهای پیتر خرگوش، زمانی که پیتر در حال فرار از دست باگبان است، دگمه لباسش میان تورهای بوته توفرنگی گیر می‌کند و تقریباً باعث مرگ او می‌شود. لباس‌ها، حیوانات موجود در آثار پاتر را نیمه‌انسان می‌نمایند و باعث می‌شوند تا جزئیات، خصوصیات شخصی و جایگاه اجتماعی هر کدام از کاراکترها بهتر به نمایش گذاشته شود.

حیوانات موجود در داستان‌های پاتر، غالباً از موضوع یا موقعیتی (مانند لباس، محیط زندگی، مسئولیت‌های خانگی یا خانواده) فرار می‌کنند یا رهایی می‌یابند. این تأکید بر گریز و رهایی، می‌تواند در این امر ریشه داشته باشد که بنا بر تریکس پاتر خود تا مدت‌ها، بیش از آن‌چه برای دختران آن روزگار مرسوم بوده، در خانه پدری و تحت نظارت و سخت‌گیری پدر و مادرش زندگی کرده است. عده‌ای بر این عقیده‌اند که این حضور طولانی مدت در اتفاق و حال و هوای دنیای کودکی، باعث گردیده تا پاتر خصوصیات و علاوه‌ای دوران کودکی را از یاد نبرد و از آن‌ها در کتاب‌های خود استفاده کند. میلی پنهانی به رهایی در آثار پاتر به چشم می‌خورد.

در آثار پاتر می‌توان علاقه بسیار او را به طبیعت، در طراحی‌های او از عناصر طبیعی چون گیاهان و جانوران دید. او در بسیاری از آثار خود نظری نیز به مطالعاتش در حوزه تاریخ طبیعی داشته و تا جایی که توانسته، از آن‌ها برای طراحی کتاب‌هایش



**پاتر بر درستی و صحت تصاویرش اصرار داشته است؛ چرا که می‌خواسته تصاویر کتاب‌هایش علاوه بر زیبایی، در زمینه طبیعت برای کودکان به همراه باشند**

همان‌گونه که از تاریخ هنر بر می‌آید، ایده چاپ رنگی، رابطه مستقیمی با پیشرفت تکنولوژی داشته است. زمانی که بناهای پاتر کتاب خود را به صورت خصوصی و در نسخه‌های محدود چاپ کرد، کتاب شامل تصاویری بزرگ و سیاه و سفید بود. شاید بخشی از این تصمیم‌گیری مربوط به قیمت نسبتاً بالای چاپ رنگی بوده است، اما دلیل دیگر را می‌توان ترس پاتر از این تکنولوژی نوبتاً و دشواری‌هایی که می‌تواند به همراه داشته باشد، دانست. اما مهم‌ترین عامل این تصمیم‌گیری را خود پاتر، این‌گونه عنوان کرده است: «فکر نمی‌کردم کتابی پُر از خرگوش و همه به رنگ‌های خاکستری/ تصاویر پاتر داستان را لونمی‌دهند، اما حس خطر و پیشگویی اتفاق را به بیننده القا می‌کنند. برای مثال، یکی از تصاویر ابتدایی کتاب ماجراجویی پیتر خرگوش، خانم خرگوش را در حال اخطر دادن به پچه‌خرگوش‌ها نشان می‌دهد. او به آن‌ها اخطار می‌دهد که تحت هیچ شرایطی به باغ آقای گرگوری نزدیک نشوند، چون در غیر این صورت، خانم گرگوری از آن‌ها ساندویچ خرگوش درست خواهد کرد. در تصویر، سه بچه‌خرگوش می‌بینیم که نزدیک مادر ایستاده و در حال گرفتن سبدی‌های خود هستند. این بچه‌خرگوش‌ها از نظر ظاهر، قد و اندازه و حتی رنگ لباس به هم شبیه‌اند، اما بچه‌خرگوش دیگر، پیتر که شخصیت اصلی داستان نیز هست، پشت به آن‌ها کرده و بدون هیچ سبدی ایستاده است. نوع طراحی گوش‌ها و حالت چهره پیتر، به بیننده القا می‌کند که او در فکر ماجراجویی هیجان‌انگیز است و خیال ندارد به حرف‌های مادرش گوش دهد. پس اتفاقی در پیش است. این نوع تصویرگری پاتر، شیوه‌ای است که تا به امروز در کتاب‌های تصویری حفظ شده است.

استفاده کرده است. او هیچ‌گاه آنatomی حیوانات را در تصاویرش تغییر نداده و یا رفتارشان را غیر واقعی نشان نداده است. بناهای پاتر بر درستی و صحت تصاویرش اصرار داشته است؛ چرا که می‌خواسته تصاویر کتاب‌هایش علاوه بر زیبایی، درس‌هایی نیز در زمینه طبیعت برای کودکان به همراه باشند. دقت پاتر در پرداختن به جزئیات تا آن‌جا پیش رفت که او به طور مثال، برای طراحی‌هایی شماری به صورت ابتدایی و سریع در دفتر تمرین خود انجام می‌داد و سپس از روی برخی از این طراحی‌های اولیه، شروع به کشیدن طرح‌هایی با قلم فلزی و مرکب می‌کرد و تا جایی که امکان داشت در این مرحله به جزئیات طراحی‌هایش می‌پرداخت. پس از آن با آبرنگ، طراحی‌های خود را کامل می‌کرد. پاتر در جایی در مورد لذت طراحی کردن می‌گوید: «طراحی کردن، نقاشی کردن و ساختن مدل! میلی سیری ناپذیر من برای نشان دادن چیزهای زیبایی که به چشمم می‌آیند، وجود دارد. چه طور ممکن است کسی به این همه زیبایی در اطرافش بی‌توجه باشد؟ من که حتی فرصت استراحت هم ندارم. باید از روی همه آن‌ها طراحی کنم».

در آثار پاتر، تصاویر کوچک و زیبای آبرنگی، به خوبی داستان‌ها را بیان می‌کنند و به میزان متن، مشخص و دارای ارزش‌اند. خطاهای ظریف و دقیق پاتر و والرهای رنگین مخصوص او، به راحتی قابل شناسایی‌اند. در عین این‌که داستان‌ها به گونه‌ای ضعفهای انسانی را بیان می‌کنند، تصاویر به دلیل توجه بسیار ویژه و نوع نگاه تصویرگر به رفتارهای حیوانی، باعث معروفیت کتاب‌های پاتر شده‌اند. تصاویر کتاب‌های او به صورتی یکپارچه و تأثیرگذار با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کنند. در اطراف تصاویر، فریم و چارچوبی وجود ندارد، اما هیچ‌کدام از تصاویر نیز در فضای معلق نیست. اگرچه ظاهرا در پس زمینه تصاویر عصری باز پرای پیوند دادن فیگورها و کلیت تصویر وجود ندارد، پاتر سایه‌های خاکستری کمرنگ و نامحسوسی را در پس زمینه قرار داده تا باعث ایجاد بیوند میان تصاویر شوند. به همین دلیل، هیچ تصویری جدا از دیگران و غیر منسجم به چشم نمی‌آید. نکته جالب دیگری که در تصاویر کتاب‌های پاتر به چشم می‌آید آن است که در برخی موارد جزئیات ریزی از تصویرها، فضای خاکستری کمرنگ پس زمینه را شکسته و از آن خارج شده‌اند. هرچند که این موارد بسیار جزئی بوده و در کل حرکت طراح با احتیاط بوده است، حضور چنین شکسته‌هایی در تصاویر، حرکت و جذابیت به همراه آورده است.



یکی از نقاشی‌های بنا بر ترسیم در کودکی/ نوجوانی

قهوهای چندان جذابیتی داشته باشد». اما زمانی که ناشری رسمی حاضر به چاپ این کتاب شد، از سوی ناشر به پاتر پیشنهاد شد تا تصاویری رنگی برای کتاب تهیه کند و این بدان معنی بود که پاتر تصاویر را از نو و این‌بار در تعدادی کمتر از دفعه پیش آمده سازد؛ امری که پاتر ابتدا راضی به انجام آن نبود، اما سرانجام و با چانه‌زنی‌های فراوان، کتاب با تصاویر رنگی به چاپ رسید.

شیوه صفحه‌آرایی در کتاب‌های پاتر ساده و متعارف، اما دقیق و فکر شده است. در هر دو صفحه از کتاب، یک صفحه به متن و صفحه دیگر به تصویر اختصاص داده شده است. یکی از نکاتی که کتاب‌های پاتر را نسبت به بسیاری از کتاب‌های هم‌دورانش مستثنی می‌کند، وجود تراز بصری‌ای درخشناد و استادانه در صفحه‌آرایی متن و تصاویر است. صفحات کتاب‌ها دارای تعادل و توازن‌اند. برای مثال، در کتاب ماجراجویی پیتر خرگوش، تصاویر و متن هر دو حدوداً در بخش بالای صفحات جای گرفته‌اند. متن در هر صفحه، وزن و حجمی برابر با تصویر رویه‌رویش دارد؛ امری که باعث می‌شود تا حس کنترل به بیننده القاء شود و نشان‌دهنده آن است که تصویرگر به تک صفحات کتاب خود اندیشیده و برای آن برنامه‌ریزی کرده. کتاب‌های پاتر از نظر بصری، قانونمند و متوازن‌اند.

توجه به اندازه، فرم، شیوه قرارگیری متن و تصویر در یک صفحه و انتخاب دقیق فونت متن، باعث خلق کتاب تصویری موفقی می‌شود. از فهرست فوق، نکته‌ای که بیش از همه در مورد کتاب‌های پاتر به چشم می‌آید، اندازه آن‌هاست؛ کتاب‌های کوچکی که پاتر با هوشمندی طراحی کرد تا مناسب حال کودک کم‌سن و سال باشند و حسی از اهمیت و تعلق به او بدeneند. نکته دیگری که در طراحی کتاب‌ها به چشم می‌آید و امری نامتعارف در کتاب‌های آن روزگار بوده، استفاده از فضای سفید (سفیدخوانی) در صفحات است. صفحات کتاب‌های پاتر فضای سفیدی سخاوتمندانه‌ای دارند؛ به خصوص در بالا و پایین صفحات. تصویرگر، متن هر صفحه را در جایی خاص تمام کرده است تا هم به خواننده فضای استراحت دهد و هم تصویر بعدی را با متنی دقیقاً تنظیم شده به نمایش بگذارد.

یکی از نکات متمایز کننده کتاب‌های تصویری از کتاب‌های مصور، آن است که در کتاب تصویری متن و تصویر هر دو برای بازگوکردن یک داستان لازم و غیر قابل حذفند. تصاویر تنها عناصری تزیینی و یا تکرارگر متن نیستند؛ آن‌ها خود رواینگرند و حضورشان برای کفتن داستان ضروری است. کتاب‌های پاتر هرچند که در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری کتاب‌های تصویری (به شیوه کتونی) خلق شده‌اند، در نوع خود، در خلق ارتباطی تنگاتنگ میان متن و تصویر موفق بوده‌اند. در برخی تصاویر پاتر، شخصیت‌پردازی‌هایی صورت گرفته که در متن به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. در داستان‌ها و تصاویر پاتر، اثری از قضاوتو و پیش‌داوری نیست. تصاویر و متن تنها رواینگرند و قضاوتو درباره درستی یا نادرستی اعمال، به عهده خوانندگان کوچک آثار گذاشته شده است.



### پی‌نوشت:

12- William Heelis

13- Castle Cottage in Sawrey

### منابع:

- Golden, C (1990), Naturalist Artist, Woman's Art journal, Vol. 11, No. 1, pp. 16-20-
- Gryszkowiec, M (1986), An Elementary School Unit, Art Education, Vol. 39, No. 4, pp. 22-24-
- Mackey, M (1998), The Case of Peter Rabbit (Changing Conditions of Literature for Children), Taylor & Francis.

1- Helen Beatrix Potter

2- Royal Academy

3- Lake District

4- Thomas Bewick

5- William Blake

6- Richard Doyle

7- Walter Crane

8- Kate Greenaway

9- Randolph Caldecott

10- The Tale of Peter Rabbit

11- Fredric Warne & Co